

آموزش و پرورش اسلامی

اصل قابلیت تعلیم و تربیت انسان و اختلاف
افراد از نظر تعلیم و تربیت

مسئله ناهمبندگی تعلیم و تربیت بر افراد مختلف از
قدیم الایام مورد اختلاف متفکرین قرار گرفته است
و در میزان تاثیر آن اختلاف وجود داشته
است این مسئله از جهات ذیل با مسائل
فلسفی و مذهبی دیگر ارتباط دارد و باین
جهت ادیان و فلاسفه نیز در آن نظراتی دارند
۱- آیا بشر آزاد است تا بتواند آنطور که
بایست تربیت شود و تعلیم بیند و جعفر آزاد
است؟

ابوالفضل عزتی

تعلیم و تربیت بمراتب بیشتر است از دسته اول چون افراد را قبل از تولد بدون جهت ساخته و پرداخته نمیدانند. البته باید توجه داشت که حتی طبق نظریه دسته دوم نیز شرایط محیطی اقلیمی موثر در جامعه و خانواده و پدر و مادر، شرایط طبیعی قبل از تولد در کودک بی اثر نیست. بهر صورت فلاسفه اسلام رانیز به ترتیب میتوان بدو دسته فوق تقسیم نمود و بطور کلی آن دسته از فلاسفه اسلام که طرفدار نظریه جبر انسان هستند (جبریه اکثر اشاعره) طرفدار نظریه اول و آن دسته از فلاسفه اسلام که طرفدار آزادی انسان و قدرت عقل و تجربه انسان هستند (اکثر معتزله) نظریه دوم را انتخاب نموده اند و این دودستگی از صدر اسلام وجود داشته و در طول تاریخ فلسفه اسلام ادامه یافته است. (۲) ولی نظرات اصلی اسلام در این مورد با توجه به متون و فلسفه اسلام عبارتیست از تفکیک بین امور تکوینی و امور تربیتی (تشریحی). اسلام بشر را در امریکه مربوط بوی است آزاد میدانند و او را تحت تاثیر محیط (که دارای مفهومی وسیع شامل جامعه خانواده، ابوی، وضع اجتماعی، اقتصادی، دینی، آموزشی، اخلاقی اوضاع و احوال طبیعی سیاسی و فرهنگی است) میدانند و نظرواقعی اسلام در مورد آزادی بشر در عبارت لاجبر و لاتفویض بل امر بین الامرین. نه جبر است و نه تفویض، بلکه امری است بین ایندو" خلاصه گشته است.

بهر صورت در اوایل قرن بیستم روانکاواطریشی فروید، روانشناس روسی ایوان پاولو و روانشناس آمریکائی جان واتسون (۳) توجه جهان علم را با اهمیت تاثیر محیط در پرورش کودک جلب کردند و این نظریات و تفکرات و نظرات شایع نبلی در

۲- آیا بشر فطرتاً پاک و معصوم است تا قابلیت تعلیم و تربیت داشته باشد و بهتر شود یا ذاتاً گناهکار است؟

۳- آیا معلومات از ابتدا در بشر و ذهن ناخود آگاه او وجود دارد و تنها محتاج بتذکر است یا اینکه ذهن بشر خالی است؟

از نظر آزادی و اجبار بشر و تاثیر تعلیم و تربیت در او از زمان های بسیار قدیم دو نظر افراطی وجود داشته است. یکدسته از متفکرین اختلافات افراد را در اثر خصوصیهائی میدانند که در کودک قبل از تولد وجود داشته و بطور نوارث در کودک بوجود آمده است.

یزشک یونان باستان هیپوکرات Hippucrote افراد را از نظر خصوصیات جسمی، ذاتی طبیعی و موروثی بر چهار گروه تقسیم می کرد: بلغمی - دموی - صفراوی - سوداوی که هر گروه بر حسب طبیعت خود دارای خصوصیات اخلاقی و تربیتی متفاوت می باشند.

این نظریه از همان زمان تا عصر حاضر دارای طرفدارانی بوده است که نظرات خود را با توجهات و استدلالات مختلف بیان کرده اند. طبق این نظریه ارزش تعلیم و تربیت ناچیز است.

دسته دیگر که بنام دسته طرفداران محیط شناخته شده اند Environmentists برعکس اختلافات افراد را از نظر تاثیر و عدم تاثیر و میزان آن تاثیر در تعلیم و تربیت به شرایط مختلف محیط و تجربه نسبت میدهند. این نظریه نیز مانند نظریه قبلی از زمانهای قدیم طرفدارانی داشته است ولی شاید برای اولین بار در اسلام توسط ابن خلدون در کتاب "مقدمه" (۱) و سپس در غرب توسط فیلسوف قرن ۱۷ انگلیسی جان لاک فرموله شده. البته طبق نظریه دسته ارزش



غیرمستقیم تحت تاثیر قرار میدهد اهمیت آن در امر آموزش و پرورش فراوان است. بهر صورت بخاطر اهمیت موضوع (بعلت همین اهمیت شخصیت کودک در قسمتهای مختلف روانشناسی کودک و در تعلیم و تربیت) عده‌ای از روانشناسان کودک، شخصیت کودک را مستقلاً "مورد توجه و بحث و تحقیق قرار داده و درباره آن کتابها نوشته‌اند. از جمله کتاب "فرزند شما بعنوان یک

شخصیت
Your Child as
a Person
تالیف و تحقیق گروهی از
دانشمندان از جمله

Stella Chess, Alexander Thomas
and Herbert G. Birch

اسلام نیز اصالت شخصیت کودک، رابطه‌ریکی پذیرفته و احترام او را تاکید کرده، پیغمبر فرمود: ادا سمیتم الولد فاکرموله و اوسعواله فی المجلس ولانقیحوا وجهه (۵): زمانیکه فرزند را نامگذاری کردید پس او را اکرام کنید و در مجلس با او وسعت دهید و او را بدشمارید (شرمگینش نکنید) .

احترام به شخصیت کودک مستلزم آنست که ابتدا مقصود از شخصیت کودک روشن شود، سپس در بحث از شخصیت کودک امور زیر تجزیه و تحلیل گردد:

۱- کودک دارای شخصیت است یعنی هر کودک دارای شخصیت انفرادی است که در بسیاری جهات با کودکان دیگر متفاوت است و همه کودکان دارای یک نوع خصوصیات اخلاقی، روانی جسمی و غیره نیستند. هر کودک دارای شخصیتی است مستقل که تنها بایست با معیارهای مخصوص به آن شخصیت و با توجه به خصوصیات مخصوص به آن کودک با وی رفتار شود و همیشه با کودکان دیگر مقایسه نگردد و این همان مسئله اختلاف و استقلال و شخصیت کودک است. فارابی در دو

موردانون تنازع‌یفاء و پیشرفتهای علمی و تکنیکی بشر نواقف بیشتری داشت:

فروید یک روان‌گاو طرفدار مکتب تاثیر محیط بود. Environmentalists و تاثیر محیط را بصور مختلف توجیه میکرد، پاولو معتقد بوده که تجربه و تربیت جدید حتی ممکن است برمغز انسان و سایر حیوانات تاثیرگذار و جان و اتسون پافراترگذار و صریحاً "گفت تربیت و رفتار، کودک را پرورش میدهند وی گفت ده، دوازده کودک سالم را در اختیار من بگذارید و من یکی از آنها را بصورت اتفاقی (random sample) انتخاب می‌کنم و تضمین می‌کنم که وی راه‌رطور که پیشنهاد شود و برای هر تخصصی از پزشک، حقوقدان و حتی گدا و دزد تربیت کنم و باین ترتیب روان‌گاو و روانشناسی تربیتی جدید بطور قطعی و کلی به نزاع تاثیر تربیت در افراد خاتمه داد و اختلاف افراد را تنها بسته به نوع تربیت محیط رفتار و آموزش آنها دانست. ابن خلدون مدتها قبل، این نظر را اعلام داشته بود. وی می‌گوید، اختلاف بین مردم ناشی از کسب و حصول ملکات است از طریق تعلیم، برخلاف تصور بعضی که معتقدند این تفاوت ناشی از تفاوت ذاتی و حقیقت انسان است در افراد مختلف (۴).

قسمت عمده روانشناسی جدید در مسائل اصل احترام به شخصیت کودک مربوط به احترام کودک تشکیل میدهد. کمتر کتابی درباره روانشناسی کودک (Child Psychology) نوشته شده است که یک فصل یا فصول متعددی از آن باین امر اختصاص داده نشده است و چون شخصیت کودک امریست که قسمتهای دیگر روانشناسی کودک و تعلیم و تربیت را مستقیم و

اسلام در موقع نامگذاری کودک، نموده بدست آورد. چون کودکانی که دارای نامهای زنده میباشند، دارای عقده حقارت می شوند. (۸)

کتاب "آرا اهل المدینه الفاضله" و کتاب "فی السیاسه" به مسئله این خنلاف استعداد و طبیعت و سرشت کودکان توجه کرده و لزوم رعایت این اختلاف را پیشنهاد می کند.

این خلدون نیز در مقدمه خود بدریجی بودن امر آموزش و لزوم رعایت اختلافات کودکان را توصیه می نماید (۶).

احترام به شخصیت کودک مستلزم آنست که ابتدا روشن شود کودک قبل از هر چیز کودک است یعنی از یکطرف جماد نیست که با آن هرطور پیش آید بشود رفتار کرد و حیوان نیست که تنها عرابش حاکم بر زندگی باشد و از طرف دیگر کودک است یعنی یک فرد بزرگسال نیست باین جهت باید مانند یک کودک با وی رفتار شود و اجازه داده شود لذت کودکی را درک و احساس کند.



ژان ژاک روسو معتقد است هدف اصلی آموزش و پرورش تاءمین آزادی و احترام به طبیعت کودک است وی میگوید: "طبیعت افراد را قبل از آنکه مرد (بزرگسال) شوند کودک آفرینده است." اسلام در این قسمت نیز دستوراتی صادر کرده است و حق استفاده از آزادیها و لذات و بازیها را برای کودک توصیه و تاءکید کرده است (۷).

احترام به شخصیت کودک مستلزم آنست که از رفتاریکه موجب ایجاد عقده حقارت در کودک میشود خودداری شود، خطرات عقده حقارت برهمه روشن است و در کتابهای روانشناسی در مورد عقده حقارت و خطرات آن مطالب فراوان وجود دارد.

توجه اسلام را بکوشش در راه احتراز از ایجاد مقدمات عقده حقارت میتوان از توجهی که

احترام بشخصیت کودک ایجاب میکند که از مجازاتهای بدنی بمنظور انتقام یا بعنوان تنها وسیله یا اولین وسیله آموزش جلوگیری شود، زیرا کودک مانند سایر حیوانات نیست، مجازات های بدنی شخصیت کودک را خرد می کند و از بین می برد.





برای بررسی متون دینی در اینمورد رجوع شود
به محجّه البیضاء ، ج ۲ ، ص ۲۴ - ۱۱۴ ،

بحار الانوار ، ج ۲۳ ، ص ۱۱۴

۸- پیغمبر اسلام انتخاب نام خوب را یکی از حقوق کودک بر ابوبین میداند : " مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَيَّ الْوَالِدُ كَلْتُهُ : يُحَسِّنُ اسْمَهُ ... و از حقوق فرزند بر عهده پدر سه چیز است : اسم او را نیکوگرداند و ... بحار الانوار ، ج ۶ ، ص ۲۴

۹- مراجعه شود به کتاب

Your Child as a Person

و برای بررسی بیشتر موضوع رجوع شود به کتاب
الرساله المفصله قایسی

۱۰- در مورد رعایت تساوی بین کودکان و

رعایت عدل بین آنان متون دینی بسیار فراوانی وجود دارد از جمله :

۱- آیات قرآن در رعایت عدل .

۲- احادیث در مورد رعایت تساوی بین

کودکان مانند اینکه پیغمبر (ص) فرمود :
اعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ كَمَا تَحِبُّونَ اَنْ يَّعْدِلُوا بَيْنَكُمْ
بِالْبَنِّ : بین اولادتان در محبت عدالت کنید ،
همچنانکه دوست میدارید آنها بین شما در
اطاعت و نیکی عدالت کنند "

در تساوی بین پسر و دختر و نكوهش تبعیض
قرآن میفرماید : **وَ اِذَا بَشَّرْتُمْ بِاِحْسَانٍ فَاَنْتُمْ سَوَاءٌ
وَجْهٌ مُّسَوَّدٌ وَ هُوَ كَظِيمٌ** : زمانیکه مژده
داده شد یکی از آنها بدختری، رویش سیاه
میشود در حالیکه غضنک است . (سوره نحل ،
آیه ۶۰)

در این آیه از ترجیح پسر بر دختر شدیداً
انتقاد شده است . برای بررسی متون دیگر در
اینمورد رجوع شود به کتابهای محجّه البیضاء
ج ۲ ، ص ۶۴ . مکارم الاخلاق ، ص ۱۳۳ ، بحار الانوار
ج ۲۳ ، ص ۱۱۴ .

اسلام در اینمورد عقیده داردکه

در برابر هر خطائی مجازاتی است چون عدالت
یکی از اصول اسلامی است ، ولی رعایت تناسب
بین جرم و مجازات و رعایت عدالت در قضاوت
و اجرای مجازات و چگونگی و هدف از اجرای آن
ضروری است (۹) .

اصل رعایت تساوی بین فرزندان و کودکان
قسمتی از اصل احترام به شخصیت کودک را
تشکیل میدهد زیرا اسلام با تبعیضات غیر
منطقی مخالف است و تمام کودکان را مساوی
میداند (۱۰) .

۱- عبدالرحمن بن محمد خضر می مالکی
معروف به ابن خلدون (۸۰۸) فیلسوف و مؤسس
فلسفه تاریخ در امور تربیتی دارای نظرات
حاسی است که از جمله ناهنجار محیط و شرایط
جغرافیائی و غیره در افراد از نظر تعلیم و
تربیت و اختلاف افراد از این نظر میباشد ،
رجوع شود به مقدمه ابن خلدون ص ۱۵۴-۱۶۵

۲- برای بررسی بیشتر این مطالب رجوع شود
به کتبی که در تاریخ فلسفه اسلام نگاشته شده
است .

Sigmund Freud, John. B.

Watson and Ivan Pavlov

۴- ابن خلدون ، مقدمه ، ص ۲۰۴

۵- جامع الاخبار ، طبع ۱۳۴۱ شمسی

۶- مقدمه ابن خلدون ، ص ۵۲۱

۷- پیامبر فرمود : **مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ
فَلْيَتَمَّصْ** : تفصیل وسائل الشیعه ، ج ۳ ، ص ۱۳۵